
شناسایی و تدوین مولفه‌های جامعه‌شناختی تربیت‌ورزشی با رویکرد نظریه

داده‌بنیاد

محمد ویسی^۱، زهرا علی پوردرویشی^{۲*}، بهرام قدیمی^۳، کاوه خبیری^۴، شهلا حجت^۵

ص.ص: ۱۳۹-۱۲۶

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۱۷

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸

چکیده

تربیت شامل ایجاد یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمالی در انسان است که مطلوبیت و ارزش داشته باشد. ورزش به عنوان پدیده‌ای مقبول برای همگان می‌تواند به عنوان ابزاری تربیتی برای انتقال ارزش‌های انسانی و اجتماعی در نظر گرفته شود. هدف از این پژوهش، شناسایی و تدوین مولفه‌های جامعه‌شناختی تربیت‌ورزشی با رویکرد نظام‌مند نظریه داده بنیاد بود. پژوهش حاضر از نوع کیفی و بر پایه پارادایم تفسیری بود. در این راستا با مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته صورت گرفته با ۲۰ نفر از خبرگان حوزه‌های جامعه‌شناسی، مدیریت‌ورزشی و رفتار حرکتی - داده‌های کیفی جمع‌آوری گردید. ملاک اتمام مصاحبه‌ها اشباع نظری بود. داده‌های کیفی با مجموعه‌ای از کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی تحلیل شد و براساس کدهای تولید شده مدل پارادایمی تربیت‌ورزشی تدوین شد. اعتبار نتایج با روش کنترل اعضاء و ارزیابی مشارکت کنندگان در تحقیق مورد تأیید واقع شد. نتایج شامل: شرایط علی (همکاری، سازگاری، مخالفت و توافق)؛ عوامل زمینه‌ای (فردی، اجتماعی) و عوامل مداخله‌گر (زیرساخت فیزیکی و آموزشی) بود. که با بهبود مهارت‌های فردی و اجتماعی، رشد و شکوفایی ورزش آموزش کشور را به دنبال دارد. همچنین، تدوین مدل و ارائه الگوی آموزشی تربیت ورزشی، می‌تواند موضوع پژوهش در آینده باشد.

واژه‌های کلیدی: تربیت‌ورزشی، مولفه‌های جامعه‌شناختی، مدل پارادایمی

۱. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی ورزش، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

۲. دکترای مدیریت منابع انسانی، استادیار، دانشگاه آزاد تهران شمال

۳. دکترای جامعه‌شناسی، استادیار، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

۴. دکترای فیزیولوژی ورزشی، استادیار، دانشگاه آزاد تهران جنوب

۵. دکترای فیزیولوژی ورزشی، استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

ایمیل نویسنده مسئول: shwan.hawram@yahoo.com

Identifying and Explaining Sociological Components of Sport Education with the Grounded Theory

Vaisi, M. (MA), Alipour Darvishi *, Z. (PhD), Ghadimi, B. (PhD), Khabiri, K. (PhD), Hojat, SH. (PhD)

Abstract

Education involves creating or actuating any kind of perfection in humans that has utility and value. Sports as an acceptable phenomenon for all can be considered as a training tool for the transfer of human and social values. The purpose of this research was to identify and formulate sociological components of education through a systematic approach to data base theory. This research was qualitative and based on an interpretative paradigm. In this regard, semi-structured interviews were conducted with 20 experts from the sociology, management and behavioral of sports. Areas of qualitative data that was the criterion for completing the interviews with theoretical saturation. Qualitative data was analyzed with a set of open, axial and selective coding and was developed based on the generated codes of the paradigm of sport education. The validity of the results was confirmed by the method of control of the members and the evaluation of the participants in the research. Results included (cooperation, consistency, opposition, and agreement), the underlying factors (individual, social) and interventional factors (physical and educational infrastructure) which improve individual and social skills and promoting the growth and prosperity of educational sport in the country. Also, developing a model and presenting an educational model of sport education can be the subject of future research.

Keywords: Sports education, Sociological components, Paradigmatic model

مقدمه

تعیین حدود دقیق معنای ورزش در اجتماع امری مشکل است، اکثر مولفان عقیده دارند که ورزش در عین حال پدیده‌ای اجتماعی قابل فهم برای عموم است، به همان نسبت شرح درست و دقیق آن متخصصان را دچار مشکل می‌کند (توماس^۱، ۲۰۰۹). یونسکو، ورزش را هر نوع فعالیت جسمی که مشخصه بارزی داشته باشد و مستلزم مبارزه با خود، با دیگران یا مواجه شدن با پدیده‌های طبیعی باشد تعریف می‌کند. برخی اندیشمندان ورزشی، ورزش را نوعی فعالیت رقابتی بین افراد می‌دانند که بر اساس مهارت‌های جسمانی استوار است و در بردارنده پاداش درونی و بیرونی می‌باشد (اشراقی و محمدی، ۱۳۸۸). از طرفی ورزش یکی از رموز سلامت جسمانی و روانی است. ورزش موجب تقویت اعتماد به نفس در فرد شده، او را متعادل، متفکر و سازگار با محیط می‌کند. با ورزش، شخص کمتر دچار حسادت، حقارت و ستیزه جویی می‌شود و در نتیجه از سلامت روانی بهتری برخوردار خواهد بود (توسلی، ۱۳۷۴). یک تعریف جامع و کامل از تربیت نیز قدری مشکل به نظر می‌رسد. تربیت شامل ایجاد یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمالی در انسان می‌شود که مطلوبیت و ارزش داشته باشد (معدفر، ۱۳۹۱). پیتر بلاو^۲ در کتاب قدرت در زندگی اجتماعی، عقیده دارد که تربیت مستلزم: انتقال ارزش‌هایی است که افرادی آن‌ها را پذیرفته‌اند و می‌خواهند به دیگران منتقل نمایند. در ادامه امیل دورکیم^۳ در کتاب سوسیالیسم، اعتقاد دارد که: تربیت عملی است که نسل‌های بزرگسال بر روی نسل‌هایی که هنوز برای زندگانی اجتماعی پخته نیستند انجام می‌دهند و هدف آن این است که در کودک شماری از حالات جسمانی و عقلانی و اخلاقی برانگیزد و پرورش دهد، که جامعه سیاسی با هم و نیز در محیط ویژه‌ای که کنشگر به نحو خاصی برای آن آماده می‌شود، اقتضا می‌کنند (مهدوی، ظهیری، ۱۳۹۲). تربیت در طول تاریخ از چهار طریق مختلف: تربیت بصورت عملی (بدنی)، تربیت تئوریک (عقلی)، تربیت روحی (قلبی) و تربیت ترکیبی (ترکیبی از سه روش قبل) انجام شده است (دلاور، ۱۳۸۷). همان طوری که اشاره شده یکی از روش‌های تربیت، در زمینه فعالیت بدنی بوده است، قدمت تربیت بدنی (تربیت از طریق بدن) به هزاران سال پیش برمی‌گردد، و در این زمینه پژوهش‌ها و مطالعات فراوانی انجام شده است (تجاری و همکاران، ۱۳۹۴).

فعالیت‌های بدنی طیف گسترده‌ای دارند که شامل: تمرین^۴، بازی^۵، گیم^۶، تربیت بدنی^۷ و ورزش^۸ می‌شوند، که هر کدام مفاهیم متفاوت و جایگاه خاص خود را دارند، تربیت بدنی زیر مجموعه نظام آموزشی و ورزش یک پدیده اجتماعی می‌باشد (قدیمی، ۱۳۸۹). متأسفانه عموم افراد جامعه این دو عبارت و مفهوم کاملاً جدا از هم را به جای دیدگر استفاده می‌کنند. در سال‌های گذشته واژه‌ای تقریباً نو به این مقولات

¹ Tumas

² Piter Blaw

³ Émile Durkheim

⁴ Training

⁵ play

⁶ Game

⁷ Physical education

⁸ Sports

تحت عنوان تربیت ورزشی^۱ اضافه شده که معنای دقیق آن تربیت از طریق ورزش و محیط‌های ورزشی می‌باشد، که لازم است با سایر عبارات اشتباه گرفته نشود (سایدنتاپ^۲، ۲۰۱۴). سایدنتاپ مولفه‌های اولیه و عمومی‌تر تربیت ورزشی را شناسایی کرد (گروه‌پذیری، رقابت، سازماندهی سرگرمی، تعاملات اجتماعی، دانش‌آموز محوری و...) و نهایتاً هدف از مطرح کردن این واژه، تخصصی بودن و کاربردی بودن بیشتر آن نسبت به تربیت بدنی بود. همچنین تلفیق این دو در یک قالب، مورد نظر و بحث روز اندیشمندان این عرصه می‌باشد باعث رشد و شکوفایی تربیت بدنی و ورزش آموزشی خواهد شد.

مکاتب و دیدگاه‌های جامعه‌شناسی مختلفی نیز در مورد نقش ورزش و فعالیت بدنی در اجتماع بوده و وجود دارند: برخی نقش منفی اجتماعی ورزش را بیان می‌کنند مانند: دیدگاه تضاد، مانند نظریات پل هاج، بر اساس اندیشه‌های کارل مارکس، که ورزش را ابزاری در اختیار سرمایه داری می‌داند، اما اکثر نظریات بر نقش مثبت اجتماعی ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی تاکید دارند: ۱. کنش متقابل نمادی گافمن، بلومر، نظریات مید: سه مرحله پرورش شخصیت در اجتماع را مطرح می‌کند (الف: مرحله آمادگی یا تقلید کورکورانه، ب: مرحله بازی ساده کودکانه، پ: مرحله بازی گروهی یا پیچیده و سازمان یافته). ۲. نظریات کلاسیک (کارکردگرایی و کارگردگرایی ساختاری) نظریات اسپنسر و امیل دورکیم، که نقش ورزش را در نظام اجتماعی این چنین بیان می‌کنند: کسب مهارت‌های اجتماعی، کنترل اجتماعی، دسترسی به فرصت‌ها، رهایی از تنش، سلامت جسمانی، کاهش تضاد، ترویج حس وفاداری، شکل‌گیری هویت فردی، جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن، اتحاد و انسجام اجتماعی و... می‌باشد (قدیمی، ۱۳۹۳).

از طرفی هرچه از زمان اولیه سازماندهی فعالیت‌های بدنی به زمان حال نزدیک می‌شویم، تربیت و تربیت بدنی که اصلی‌ترین هدف بزرگان ورزش بود سهم کمتری را در میان سایر آموزش‌های حیطه ورزشی پیدا می‌کند. که این اصلی‌ترین عامل و زمینه‌ساز انحرافات در ورزش بوده است! بطور مثال: هدف از المپیک این بود که، ورزش در خدمت توسعه کمال انسان و در جهت ترویج یک جامعه صلح‌آمیز در رابطه با حفظ کرامت انسانی حرکت کند (کوبرتن^۳، ۱۹۲۵). اما انحرافات در آن شکل گرفت که باعث دوری اهداف از روند کاری المپیک شد، عوامل ایجاد این مشکلات شامل: دخالت سیاست، تحریم‌های پی در پی، سرعت تجاری شدن، استفاده ابزاری از ورزشکاران، تبعیض نژادی، جنسیت و قومیت در عرصه المپیک، رسوایی شخصیت‌های مهم و محوری جنبش المپیک و... بود (چاتزیفستاتیو دایو^۴، ۲۰۱۶). در این سال‌ها تربیت بدنی چه در مفهوم فلسفی و چه در عمل از ورزش فاصله بیشتر گرفته است، تا حدی که ارتباط آن‌ها و تعامل اولیه در میانشان بسیار ضعیف و ناممکن بنظر می‌رسد. زیرا قوانین و مقررات و نیروهای اجتماعی این دو مفهوم را هر کدام به سمتی سوق می‌دهد، که باعث افزایش این فاصله می‌شود. به‌شکلی که حتی طبق آخرین مصوبه وزارت ورزش و جوانان، تاسیس باشگاه ورزشی باید صرفاً ورزشی بوده و فعالیت‌های فرهنگی و ثبت‌واژه فرهنگی و ثبت آن در لوگوی باشگاه طبق قوانین، با موانعی روبرو

¹ Sport education

² Sidentop

³ Pierre de Coubertin

⁴ Chatziefstathiou Dayu

می‌شود! در صورتی که با ادغام دو وزارت‌خانه ورزش و جوانان در کشور در سال ۱۳۸۹ که یکی از اهداف آن، تأمین سلامتی نسل جوان و توسعه ورزش میان آن‌ها است (سجادی، ۱۳۹۰)، می‌بایست نقش تربیت اجتماعی در ورزش در آن افزایش می‌یافت. شاید تحقق این اهداف فقط منوط به همکاری، ادغام و آمیختگی هرچه بیشتر تربیت و ورزش امکان‌پذیر باشد.

سازندگی جسمی، روانی و از همه مهم‌تر توسعه بعد اجتماعی انسان از جمله نقش‌های ورزش به حساب می‌آید. فعالیت‌بدنی و ورزش در مفهوم کلی کلمه، یک پدیده اجتماعی است که با اعتلای آن، روابط افراد جامعه و سلامت جسم و روح آن‌ها استحکام می‌یابد. فعالیت‌های ورزشی فرصتی را ایجاد می‌کند که افراد با تعامل یکدیگر هدف‌ها را مشخص می‌کند و وظیفه‌ای را به عهده گرفته و از نتیجه کار گروهی به‌رمند می‌شوند. هرچند ورزش زمانی از سطح همگانی (ورزش‌های خانوادگی، پیاد روی و...) به سمت ورزش حرفه‌ای (باشگاه‌های حرفه‌ای) می‌رود تا حدودی از اخلاقیات فاصله می‌گیرد و برنده شدن و موفقیت در آن حرف اول را می‌زند (خبیری، ۱۳۸۱) اما با بازنگری و تعریف دوباره آن در جامعه، شاید این مسیر را کند و یا بتوان آنرا متوقف کند. بنابراین چنین شرایطی جزو اهداف این پژوهش به شمار می‌رود.

در تحقیقات دیگری نیز به برخی از جنبه‌های موضوع پژوهش پرداخته شده است از جمله: عوامل فردی، سازمانی و محیطی هدف پژوهش‌های مختلف علوم ورزشی در بخش مدیریت ورزشی بوده است، اما در این میان به عامل اجتماعی کمتر پرداخته شده است. مانند، مطالعه آصفی، خبیری، دسجردی و گودرزی در سال ۱۳۹۳، به این نتایج دست یافتند که ۴ عامل، فردی، اجتماعی، سازمانی و محیطی در نهادینه کردن ورزش در ایران موثرند. کنیون و مک فرسون، در پژوهشی سه عامل به عنوان، عوامل فرآیند تربیت- اجتماعی را دخیل در نظر گرفته است تا افراد بتوانند نقش اجتماعی خود را فرا گیرند: ۱. افراد و مؤسسات اجتماعی (افراد مهم و مؤثر) ۲. وضعیت‌های اجتماعی. ۳. خصلت‌های شخصی (کنیون و مک فرسون، ۱۹۷۳). در مقاله تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت را شرط ضروری برای شکل‌دهی به هستی اجتماعی قلمداد می‌کند. جامعه، با تعلیم و تربیت، کودک را برای تلفیق موفق با جامعه راه می‌اندازد (دینهام، مکفیل^۱، ۲۰۱۷). حال، با به رسمیت شناختن مسائل اجتماعی دنیای مدرن، تعلیم و تربیت باید بتواند فردیت مستقل را در کنار وجدان جمعی جدید ارتقاء دهد که این امر محقق نمی‌گردد! و بدان علت جامعه‌شناسی متکفل این ترمیم چنین وضعیتی است (دورکیم، ۱۹۲۲).

براساس مطالب مطرح شده، لازمه اجرای مناسب تربیت ورزشی در یک جامعه، آشنایی با مولفه‌های مختلف و ابعاد آن واژی تربیتی می‌باشد. این نکته اهمیت شناسایی و تدوین مولفه‌های تربیت ورزشی را در مباحث مختلف جامعه‌شناسی، روانشناسی، مدیریت و رفتار حرکتی ورزشی کشور برجسته‌تر می‌کند. در کل می‌توان گفت، شناسایی مولفه‌های اجتماعی تربیت ورزشی می‌تواند در زمینه‌های فراوانی تأثیرگذار باشد، از جمله: نقش ورزش در نظام آموزشی (بازی جوانمردانه، سلامت و عدالت در همه سطوح ورزش، عدم استفاده ابزاری از ورزشکار و...)، اجتماعی شدن و خلل‌های تربیتی، که نوید یک ورزش سالم‌تر و در

¹ Deenihan & Macphail

خدمت جامعه‌انسانی و اجتماعی را می‌دهد (بلاکریشان^۱، ۲۰۱۵). با توجه به این که تحقیقات گذشته داخلی و خارجی بیشتر در زمینه‌های جداگانه تربیت، تربیت بدنی و ورزش بوده و اکثراً جنبه توصیفی بوده و حیطه کاری و شاخص‌های آنها عمومی و فردی هستند و کمتر به ترکیب و ادغام این مفاهیم و تدوین و تبیین واژه‌ها در این زمینه پرداخته شده، در این رساله، محقق به دنبال، مطرح کردن واژه تربیت ورزشی در سیستم آموزشی-ورزشی کشور، مشخص کردن شاخص‌های اجتماعی تربیت ورزشی، چگونگی رابطه میان این شاخص‌ها و تدوین مدل یا الگویی ساختاری مناسبی از آنها در نهادینه کردن تربیت ورزشی در ورزش می‌باشد. بر همین اساس، محقق با توجه به اصول تربیت ورزشی و با پس زمینه نظرات (کنش متقابل نمادی، کارکرد گرای و کارکرد گرای ساختاری) به دنبال ارائه مدلی پارادایمی جامع از روابط میان اصول تربیت ورزشی در زمینه‌های اجتماعی، نقش نظریات مربوطه، شناسای شاخص‌های آن، چگونگی نهادینه کردن مناسب یک تربیت ورزشی و عوامل تاثیرگذار اجتماعی بر تربیت-ورزشی، جهت ارائه به نظام آموزشی-ورزشی کشور می‌باشد.

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق استفاده شده در این پژوهش، کیفی، با پارادایم تفسیری و با روش، داده بنیاد (گرنند تئوری)^۲ است. با توجه به تقسیم‌بندی تحقیقات علمی از نظر هدف، پژوهش حاضر از نوع پژوهش بنیادی-کاربردی می‌باشد. گراند تئوری را می‌توان به عنوان رویکردی پژوهشی معرفی کرد که در آن بر اساس داده‌های واقعی و از طریق روشی علمی نظریه‌های بنیادین جدید تدوین می‌شود (گلیزر، استراوس^۳، ۱۹۶۷). در این پژوهش از بین ره یافت‌های مختلف نظریه سازی داده‌بنیاد، بر اساس نیاز و روند پژوهش از ره یافت نظام‌مند^۴ استراوس و کوربین استفاده شده است که در مواردی با رهیافت ظاهرشونده^۵ گلیزر متفاوت است. از ویژگی‌ها و روند این فرایند می‌توان گفت که، برای تدوین نظریه در رابطه با یک پدیده، مجموعه‌ای سیستماتیک از رویه‌ها را به کار می‌گیرد (چارمز^۶، ۲۰۰۸).

جامعه‌آماری پژوهش، شامل ۲۰ نفر از افراد متخصص (دکتر) جامعه‌شناسی، رفتار، یادگیری و مدیریت-ورزشی بودند، که به شکل انتخابی (هدفمند) و دارای شرایط (مدرک دکترای تخصصی، سابقه فعالیت بصورت مربی، بازیکن یا پست‌های آموزشی) در سطوح بالای تربیت بدنی و ورزش کشور بودند. هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید. جمع‌آوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری، از روش کتابخانه‌ای (فیش‌برداری) استفاده شد. همچنین ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه با افراد متخصص با شرایط ذکر شده بود.

¹ Blacrisan

² Ground Theory

³ Glizz & Straous

⁴ systematic

⁵ emergent

⁶ charmarz

مراحل کدگذاری بصورت ۳ مرحله (اولیه، ثانویه و اختصاصی) انجام گرفت. در مرحله کدگذاری اولیه (باز)، به همه نکات کلیدی مصاحبه‌ها عنوانی داده شد. سپس همه این عناوین در جداولی آورده شدند. که کدهای اولیه بر اساس، تحلیل جمله به جمله یا کدگذاری در سطح پاراگراف به پاراگراف، بعد از اتمام مصاحبه‌ها انجام شد، که نتایج آن شامل ۱۸ کد اولیه بود. در گام دوم (کدگذاری ثانویه) در این مرحله کدهای اولیه بدلیل فراوانی آن‌ها، به کدهای ثانویه تبدیل شدند. سپس، چند کد ثانویه تبدیل به کد مفهومی و در نهایت مقولات فرعی ۹ مورد مشخص و ارائه شدند. در گام نهایی (کدگذاری اختصاصی)، در آن فرایند ارتباط دهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از طبقات قرار گرفت. کدگذاری محوری بر تمرکز و تعیین یک مقوله به‌عنوان مقوله اصلی قرار دارد و سپس مقولات دیگر به‌عنوان مقوله‌های فرعی به آن ارتباط داده می‌شوند. این کار بر اساس مدل پارادیمی که شامل پدیده، شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها بر اساس روش استراوس و کوربین انجام شد و ۴ مقوله اصلی تایید و مشخص شدند.

تایید روایی صوری پژوهش، با استفاده از نظر ۱۰ نفر از متخصصان (جامعه‌شناسی ورزش) به صورت تکرار پذیری بود و به منظور اعتباربخشی به نتایج پژوهش حاضر، از میان سه روش زاویه-بندی (اجماع/مثلت‌سازی)، کنترل‌اعضاء (بررسی توسط اعضاء) و ارزیابی بر اساس ۱۰ شاخص "مقبولیت" (استراوس، کوربین، ۲۰۰۸)، از روش کنترل‌اعضاء (کنترل اعضا یا اعتبار پاسخگو، تکنیکی است که بدان وسیله محقق یافته‌های خود را با یک یا چند نفر از افراد مطلع تحت بررسی کنترل می‌کند و این تکنیک جهت تایید تفاسیر پژوهشگر به کار می‌رود)، که در دو بخش، تاییدپذیری و اعتبارسنجی مورد بررسی قرار گرفت. فرایند تاییدپذیری توسط مصاحبه‌شوندگان به صورت، ارزیابی چند تن از متخصصان خارج از فرایند پژوهش و با بازبینی و اصلاح بر اساس نظر این متخصصان انجام شد. و فرایند اعتبارسنجی آن نیز، با ارزیابی شرکت‌کنندگان از پژوهش و به‌شکل ارسال کدهای استخراج شده به سایر شرکت‌کنندگان بود، که نقطه نظر ایشان در اکثر موارد اعمال شد.

یافته‌ها

در این تحقیق به منظور رسیدن به هدف پژوهش (شناسایی و تدوین مولفه‌های جامعه‌شناختی تربیت ورزشی با رویکرد نظریه دانه‌بند)، پس از مطالعات صورت گرفته و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ نفر از افراد متخصص (دکترای مدیریت ورزشی، رفتار حرکتی و جامعه‌شناس ورزشی) انجام گرفت. در حالی که بعد از مصاحبه دهم، تقریباً داده‌ها تکراری بودند و اشباع نظری حاصل شده بود، برای اطمینان و اعتبار بیشتر، این فرایند تا مصاحبه ۲۰ ادامه یافت.

جدول شماره ۱- اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان

شاخص	سن		جنسیت		مدرک تحصیلی	سابقه در سطح ملی	
	۳۵-۴۵	۴۶-۵۵	خانم	آقا		بازیکن	مربی
فراوانی	۷	۱۳	۶	۱۴	۲۰	۴	۱۶
درصد	۳۵	۶۵	۳۰	۷۰	۱۰۰	۲۰	۸۰

بعد از جمع‌آوری و تحلیل اولیه مصاحبه‌ها، تعداد ۳۹ کد اولیه شناسایی شد که با حذف برخی کدهای تکراری، تعداد کدهای مستقل باز اولیه ۱۸ کد بود. که در ادامه به ۹ کد باز ثانویه (مقوله فرعی) تبدیل شدند که اساس این فرایند بر پایه نزدیکی معنایی و مفهومی بود. در نهایت بر اساس کدهای باز ثانویه ۴ مقوله اصلی ایجاد شد.

کدگذاری باز (اولیه): در این مرحله به همه نکات کلیدی مصاحبه‌ها عنوانی داده شد، سپس همه این عناوین در جداول زیر آورده شدند. کدهای اولیه بر اساس، تحلیل جمله به جمله یا کدگذاری در سطح پاراگراف به پاراگراف، بعد از مصاحبه‌ها انجام شد، که نتایج آن شامل ۱۸ کد اولیه بود.

کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات فرعی: در این مرحله کدهای اولیه به دلیل فراوانی آن‌ها، به کدهای ثانویه تبدیل شدند، سپس چند کد ثانویه تبدیل به کد مفهومی شده و در نهایت مقولات فرعی (۹ مورد) مشخص و ارائه شدند.

جدول شماره ۲ - کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی کدهای مفهومی و مقولات

مقولات فرعی	فراوانی	کدهای باز
احساس تعلق به اجتماع	۱۲	حسی تعلق فرد نسبت به گروه یا جامعه نقش‌پذیری و آشنایی با خصوصیات نقش‌های اجتماعی
تقویت حس مشارکت	۱۳	کارگروهی - تیم‌محوری شرکت فعال که با اکثریت همراه باشد
همسو بودن با اجتماع	۱۴	آشنایی با تعاملات اجتماعی آشنایی با کنش‌های اجتماعی
اجتماعی شدن صحیح	۱۱	آشنایی با نقش‌های فردی و اجتماعی سرگرمی و فعالیت کنترل‌شده و مثبت اجتماعی
مهارت نه گفتن	۱۳	تقویت یک مهارت اجتماعی - فرهنگی
قدرت تجزیه و تحلیل شرایط	۱۲	استقلال فردی و اجتماعی - خودباوری و تقویت‌اراده
کمک به استقلال فردی	۱۱	فردمحوری
انتخاب درست در جمع	۱۳	تجربه تصمیم‌گیری در قالب گروه و اجتماع
مولفه‌های تاثیرگذار در گروه	۱۵	احساس مسئولیت و کمک به اجتماعی شدن - وفاداری

شکل‌گیری مقولات اصلی و طبقات

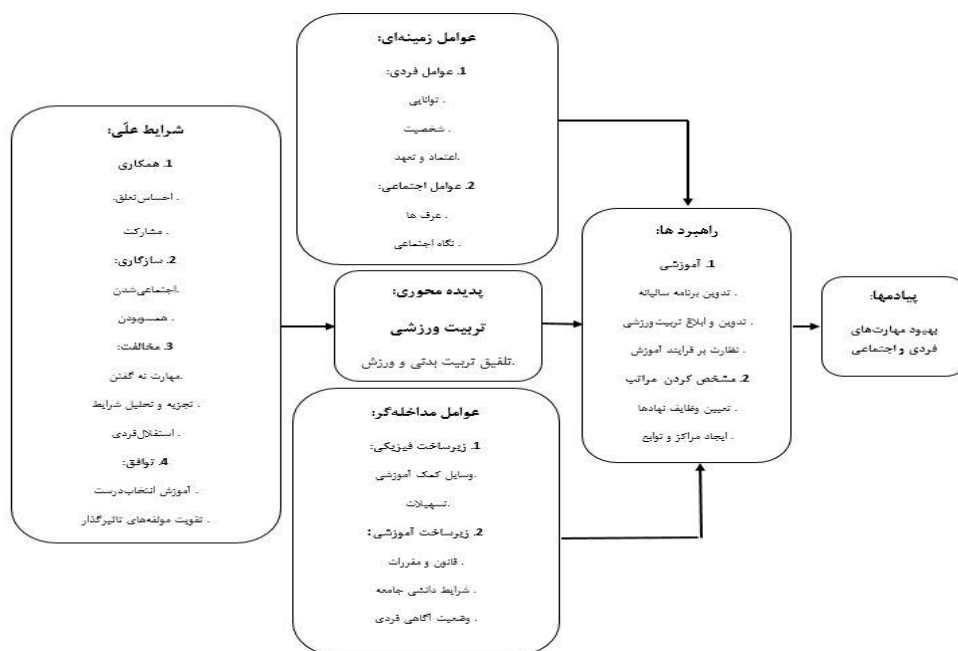
کدگذاری اصلی (اختصاصی): این مرحله بعدی پژوهش محسوب می‌شود و در آن فرایند ارتباط دهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از طبقات قرار می‌گیرد. کدگذاری محوری بر تمرکز و تعیین یک مقوله به عنوان مقوله اصلی قرار دارد و سپس مقولات دیگر به‌عنوان مقوله‌های فرعی به آن ارتباط داده می‌شوند. این کار بر اساس مدل پارادیمی که شامل پدیده، شرایط علی، زمینه، شرایط-

مداخله گر، راهبردها و پیامدها بر اساس روش استراوس و کوربین انجام شد. جزئیات این فرایند در شکل شماره یک آورده شده است.

جدول شماره ۳ - شکل گیری مقولات اصلی از مقولات فرعی

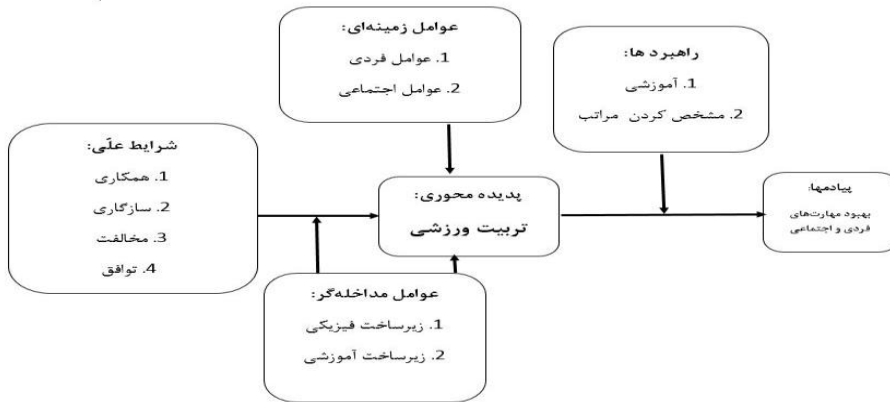
مقولات اصلی	مقولات فرعی	طبقه
همکاری سازگاری	احساس تعلق - مشارکت	جامعه شناسی اجتماعی شدن
	اجتماعی شدن - هم سو بودن	
مخالفت توافق	مهارت نه گفتن - تجزیه و تحلیل شرایط - استقلال فردی	جامعه شناسی مهارت های فردی
	آموزش انتخاب درست - تقویت مولفه های تاثیرگذار	

برای تبدیل تحلیل ها به نظریه، طبقه ها باید بطور منظم به همدیگر مرتبط شوند. پژوهشگر بر حسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، یا چهارچوب مدل پارایم را بصورت روایتی عرضه می کند و یا مدل پارادایم را بهم ریخته و بصورت ترسیمی از نظریه نهایی نشان می دهد.



شکل شماره ۱ - مدل پارادایمی براساس کد گذاری محوری

در ادامه با استفاده از روش کد گذاری انتخابی (اختصاصی)، به طراحی الگوی نهایی تربیت ورزشی و مولفه های جامعه شناسی آن که شامل ۴ مقوله نهایی بود پرداخته شد، که نتایج آن در شکل شماره دو ارائه شده است.



شکل شماره ۲ - مدل نهایی تربیت ورزشی

بحث و نتیجه گیری

نتیجه صحیح از یافته‌ها یکی از ارکان اصلی یک پژوهش است. نظریه داده بنیاد را می‌توان به عنوان رویکردی پژوهشی معرفی کرد که در آن براساس داده‌های واقعی و از طریق روشی علمی نظریه‌های بنیادین جدید تدوین می‌شود. محقق در این پژوهش به دنبال، شناسایی و تایید مولفه‌های جامعه-شناختی تربیت ورزشی و ارائه مدلی جامع از روابط میان اصول جامعه‌شناختی تربیت ورزشی، از طریق نظریه داده بنیاد بود. بر اساس تحلیل داده‌ها و بر مبنای نظریه داده بنیاد و رسیدن به اشباع نظری، چهار اصل کلی از اصول تربیت ورزشی از منظر جامعه شناسی (۴ اصل، دو اصل اجتماعی شدن همکاری و سازگاری و دو اصل مهارت‌های فردی، مخالفت و توافق) شناسایی و تایید شد.

بخش جامعه‌شناسی اجتماعی شدن شامل، اصل همکاری (جریانی است که در آن افراد و گروهها برای تحقق اهداف مشترک و عمومی، فعالیت‌ها و اقدامات خود را متحد کرده و از کمک یکدیگر بهره‌مند می‌شوند). و اصل سازگاری اجتماعی (روابط افراد و گروه های مختلف به گونه‌ای تنظیم و برقرار می‌شود که رضایت همه یا حداقل اغلب افراد تامین شود. این سازگاری تا حدودی تابع، آموزش، آداب و رسوم، قوانین و مقررات و هنجارهای حاکم بر جامعه است). این دو اصل برگرفته از ۹ مورد، مقولات اولیه (وابستگی، نقش‌پذیری اجتماعی، آشنایی با نقش‌های اجتماعی و خصوصیات آن‌ها، کار گروهی، تیم محوری، مشارکت اکثریت، آشنایی با تعاملات و کنش‌های اجتماعی فرد و گروه، نقش‌های فردی و اجتماعی، سرگرمی مثبت و کنترل شده) و در ادامه ۴ مورد، مقولات فرعی (احساس تعلق به اجتماع، تقویت حس مشارکت، هم سو بودن با اجتماع و اجتماعی شدن صحیح) بدست آمدند. - نتایج این بخش با یافته‌های: مجموعه پژوهش‌های تجاری و همکاران (۱۳۹۴) و پژوهش، کنیون و مک فرسون (۱۹۷۳) هم خوانی داشت. همچنین این نتایج با پژوهش آمارا^۱ (۲۰۱۳) در بخش (مخالفت) همخوانی نداشت، که ممکن است بدلیل نوع و بافت جامعه هدف دو پژوهش در چگونگی و نوع مخالفت با موضوعات باشد، اما با مولفه توافق هم خوانی داشت. در بخش جامعه شناسی اجتماعی شدن (سازگاری) با یافته های برگرفته

از مطالعات توسلی (۱۳۸۶) اختلافاتی داشت. همچنین این بخش با مجموعه مطالعات سایدنتاپ (۲۰۱۴)، در مورد تربیت ورزشی هم خوانی داشت. این بخش با مطالعات دین هایم و مک فیل^۱ (۲۰۱۷)، و نظریات نظم اجتماعی^۲ جامعه‌شناس مشهور دورکیم (۱۹۲۲) و مجموعه کتاب‌های ورزش در اجتماع دکتر قدیمی (۱۳۸۹) نزدیک بود. باید گفت که تدوین و اجرایی کردن این دو اصل در محیط‌های ورزش تربیتی کشور باعث تقویت کار گروهی، تیم محوری، کاهش تنش گروهی، مشارکت در سطح بالا، کنش‌های اجتماعی مناسب و... می‌باشد که با مجموعه نظریه‌های نظم اجتماعی امیل دورکیم (به نظر او بی‌نظمی - های اجتماعی جزء ضروری جهان نوین نبود و این امکان وجود داشت که آن‌ها را با اصلاحات اجتماعی کاهش داد)، هم‌راستا می‌باشد. از طرفی آموزش و پیاده‌سازی هر کدام می‌تواند در سایر محیط‌های اجتماعی بسیار زمان‌بر و هزینه‌بردار باشد که این امر به سهولت و با کمترین هزینه قابل برنامه‌ریزی و اجرا در بخش ورزش تربیتی کشور است.

بخش جامعه‌شناسی مهارت‌های فردی که شامل، اصل مخالفت یا نپذیرفتن (به واکنشی اطلاق می‌شود که فرد بوسیله آن از شرایط و عوامل مشخصی برای نیل به اهداف خود استفاده می‌کند) و اصل توافق (ارتباطات میان افراد به منظور جلوگیری از تقلیل یا از بین رفتن، تغییر پیدا می‌کند و سازش توسعه می‌یابد). این دو اصل نیز برگرفته از ۹ مورد، مقولات اولیه (مهارت اجتماعی- فرهنگی، آگاهی، استقلال، بلوغ فردی- اجتماعی، خودباوری، تقویت اراده، فردمحوری، مسئولیت پذیری، وفاداری و احساس تعلق به گروه یا اجتماع) و در ادامه ۵ مورد، مقولات فرعی (مهارت نه گفتن، قدرت تجزیه و تحلیل شرایط، کمک به استقلال فردی، انتخاب درست در جمع و تقویت مولفه‌های تاثیرگذار و مثبت در موفقیت گروه) به دست آمده‌اند. که نتایج این بخش با یافته‌های: مجموعه پژوهش‌های تجاری و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی داشت اما با پژوهش، کنیون و مک فرسون (۱۹۷۳) همخوانی نداشت. همچنین این نتایج با پژوهش آمارا (۲۰۱۳) همخوانی داشت. در این بخش با مجموعه مطالعات سایدنتاپ (۲۰۱۴)، در مورد تربیت ورزشی، در مبحث مخالفت هم خوانی داشت اما در بخش توافق تفاوت‌های وجود دارد. این بخش با مطالعات دین هایم و مک فیل (۲۰۱۷)، نزدیک بود اما به صورت کامل منطبق نبود. همچنین با نظریات امیل دورکیم نیز تاحدودی فاصله دارد. اما با مجموعه کتاب‌های ورزش در اجتماع قدیمی (۱۳۸۹) و همچنین با مجموعه پژوهش‌های خبیری و همکاران (۱۳۸۵) در و سجادی (۱۳۹۰)، نزدیک بود و در سطح بالایی هم خوانی داشت. همچنین تدوین و نهادینه‌شدن این دو مولفه در جامعه نیز می‌تواند باعث، استقلال فکری و قدرت انتخاب افراد در زندگی فردی و محیط‌های اجتماعی شده که در راستای، نقد برخی از جامعه‌شناسان از جمله اروین گافمن^۳ و ژان بوردیاری^۴ در تحلیل نقش‌های اجتماعی و عدم استقلال آن‌ها و باهم نگرانی (نظریه ظروف پلاستیک بوردیاری، اشاره به عدم استقلال در تفکر فردی دارد و باهم نگرانی یا همراهی با جمع بدون آگاهی صحیح در مورد موضوعات اجتماعی را شامل می‌شود) اجتماعی افراد باشد.

¹ Deenihan and Macphill

² Social order

³ Erving Goffman

⁴ Jean Baudrillard

عوامل و ابعاد دیگری از تربیت‌ورزشی نیز مورد بحث و تایید مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت که شامل، عوامل مداخله‌گری مانند، زیرساخت فیزیکی (شامل، وسایل کمک آموزشی، تسهیلات و امکانات مورد نیاز) و زیرساخت آموزشی (شامل، قانون و مقررات مربوطه، شرایط دانشی جامعه، وضعیت آگاهی فردی و سایر موارد مشابه) هستند که نقش‌های تاثیرگذاری در پیاده سازی تربیت ورزشی در اجتماع بازی می‌کنند. همچنین عوامل زمینه‌ای مانند، عوامل فردی (شامل، توانایی و استعداد افراد، تیپ‌های شخصیتی، اعتماد و تعهد) و عوامل اجتماعی (شامل، ارزش‌ها و عرف‌ها جامعه، دیدگاه و نگاه اجتماعی به موضوع) که از جمله عوامل اساسی در تدوین و اجرایی کردن مولفه‌های تربیت‌ورزشی به حساب می‌آیند.

تدوین، اجرایی کردن و توسعه تربیت‌ورزشی و نهادینه کردن آن در ورزش آموزشی کشور علاوه بر توجه به عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر منوط به تدوین برنامه‌های مدون و مکتوب، مدیریت منابع انسانی و مدیریت مناسب در سطح اجرایی آن می‌باشد، بر همین اساس توجه به راهبردهای زیر ضروری به نظر می‌رسد.

- تدوین برنامه سالیانه، لازمه اجرایی و عملیاتی شدن واژه تربیت‌ورزشی یک فرایند زمان بر و طولانی مدت است.
 - ابلاغ سرفصل‌ها تربیت‌ورزشی و ترتیب و اولویت‌بندی، گام بعدی در اجرایی شدن این فرایند به حساب می‌آید.
 - نظارت بر فرایند آموزش تربیت‌ورزشی امری ضروری است که باید به شکل صحیح و دقیق زیر نظر گرفته شود.
 - میزان مسئولیت و مشخص کردن مراتب امر در واحدهای صفی و ستادی امری مهم محسوب می‌شود.
 - تعیین وظایف نهادهای مربوطه، باید کل فرایند روشن و دقیق سیاست‌گذاری شود.
 - روند کار باید با همراهی و شرکت فعال مشاوران جامعه‌شناس و مسلط بر امور آموزشی جامعه همراه باشد.
 - ایجاد مراکز و توابع، به منظور و سهولت در روند اجرایی کردن تربیت‌ورزشی در جامعه، باید مراکز و زیرمجموعه‌های امور مشخص باشند. که در نهایت، با پیادمد های هر دو بعد، بهبود مهارت‌های فردی و اجتماعی همراه باشد.
- بطور کلی باید گفت که، رشد تربیت ورزشی یا به عبارتی ورزش تربیتی می‌توان گپ یا شکاف میان دو واژه تربیت‌بدنی و ورزش را کاهش دهد و تلفیق این دو در یک قالب که مورد نظر و بحث روز اندیشمندان این عرصه می‌باشد باعث رشد و شکوفایی در هر دو بخش تربیت‌بدنی و ورزش آموزشی کشور می‌شود. زیرشاخه‌ها و موضوعات مختلفی در بحث ورزش تربیتی مطرح و تاثیر گزار هستند، که از این میان می‌توان به جامعه‌شناسی ورزش اشاره کرد که پژوهش حاضر، یکی از مباحث بنیادی این بخش را مورد تحقیق قرار داد و عواملی از آن را شناسایی و تایید کرد. شناسایی مولفه‌های جامعه‌شناختی ورزش تربیتی می‌تواند، تکمیل کننده علمی چون مدیریت ورزشی، روانشناسی ورزشی و رشدیادگیری حرکتی در ورزش تربیتی باشد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود، تحقیقات بیشتری در بخش شناسایی

ابعاد تربیت‌ورزشی و نقش آن در ورزش‌تربیتی (آموزشی) کشور انجام شود، مانند: شناسایی سایر ابعاد جامعه‌شناختی تربیت‌ورزشی، شناسایی ابعاد روان‌شناسی اجتماعی تربیت‌ورزشی، شناسایی مولفه‌های (توسعه، تحولات و ارتقاء) فرهنگی، شناسایی مولفه‌های اعتقادی و ملی جامعه‌شناسی تربیت‌ورزشی، شناسایی و مقایسه این مولفه‌ها در بین جوامع آماری مختلف و ارائه مدل استاندارد یا الگوی تربیت‌ورزشی به جامعه ورزش و آموزش کشوری‌باشد.

منابع

- . اشراقی، ا؛ محمدی، ص. (۱۳۹۶). نقش ورزش در جامعه، انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۰۳-۱۰۷.
- . تجاری، ف؛ حاتمی، ح؛ نصراصفهان‌ی، د؛ یکتایار، م؛ زبیری، م؛ ویسی، ک. (۱۳۹۴). اصول و فلسفه تربیت‌بدنی و ورزش، اصفهان: آسمان نگار.
- . توسلی، غ. (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات سمت، ۲۱-۳۳.
- . دلاور، ع. (۱۳۹۰). مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی، تهران، انتشارات رشد، ۳، ۸۸-۸۶.
- . قدیمی، ب. (۱۳۹۴). اصول و مکاتب جامعه‌شناسی ورزش. انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۶-۱۹، ۲۲-۲۸، ۵۴-۶۹، ۷۱-۷۸.
- . قدیمی، ب. (۱۳۹۵). ورزش در جامعه ۱ و ۲، تهران، انتشارات بامداد کتاب.
- . معیدفر، س. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، همدان: انتشارات نورعلم. ۲۷۳.
- . ABE, I. and MANGAN, J.A. (2015). The British impact on boys' sports and games in Japan: an. *International journal of the history of sport*, 14(2), pp. 187-199.
- . AL-TUMAS, M. (2009). *Olympic Solidarity: Global Order, the Diffusion of Modern Sport and the Hegemony of the Olympic Movement*, Loughborough University Editor .
- . AMARA, M., AL-TAUQI, M. and HENRY, I.P. (2013). Sport, Arab Nationalism and the Pan Arab Games. *International Review for the Sociology of Sport*, 38(3), pp. 295-310 .
- . AN, M. (2015). The Golf Boom in South Korea: Serving Hegemonic Interests. *Sociology of Sport Journal*, 9(4), pp. 372-384 .
- . APPADURAI, A. and ALBROW, M. (2011). *Modernity at Large: Cultural Dimensions of Globalization*. *The American journal of sociology*, 103(5), p. 1411 .
- . BERNSTEIN, A. (2010). Things you can see from there you can't see from here. *Journal of Sport & Social Issues*, 24(4), pp. 351-369 .
- .BOURDIEU, P. (1988). Program for a Sociology of Sport. *Sociology of Sport Journal*, 5, pp. 153-161.



Olympism in the Modern Olympic Era. A Doctoral Thesis, Submitted in partial fulfilment of the requirements for the award of Doctor of Philosophy of Loughborough University.

. Deenihan. J., Macphil. A. (2017). The influence of organizational socialization in preservice Teachers Delivery of sport education. Human kinetics Articles, journal of teaching pysical education, 36, 477-484.

. EICHBERG, H. (2014). Olympic Sport: Neo-colonialism and alternatives. International Review for the Sociology of Sport, 19, pp. 97-105 .

. GUTTMANN, A. (2005). Sports diffusion: A response to Maguire and the Americanization commentaries. Sociology of Sport Journal, 8, pp. 185-190 .

. HARVEY, J. and HOULE, F. (2016). Sport, World Economy, Global Culture, and New Social Movements. Sociology of Sport Journal, 11, pp. 337-355.

. HOULIHAN, B. (2007). Homogenization, Americanization, and Creolization of Sport: Varieties of Globalization. Sociology of Sport Journal, 11, pp. 356-375 .

. LEWIS, P.A. (2014). Realism, causality and the problem of social structure. Journal for the Theory of Social Behaviour, 30(3), pp. 249-268.

. MERKEL, U. (2016). The Hidden Social and Political History of the German Football Association (DFB), 1900-50. Soccer and Society, 1(2), pp. 167-186.

. Sidentop, D., Hastil, PA., Mas.H. (2014). Complete guide to sport education. second edition, pp. 18-55-123-206.